

بازدارنده‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی

رضا موحدی

دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا

چکیده

این پژوهش از نوع کیفی بوده که در آن از رویکرد نظریه پایه و بهره‌گرفته شده است. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه ژرفایی استفاده شد. روش نمونه‌گیری تحقیق از نوع هدفمند نظری بوده که به شیوه‌ی گلوله برفی انجام پذیرفت. بر همین پایه، با مصاحبه با ۲۱ نفر از دانش‌آموختگان کشاورزی و ۹ نفر از کارفرمایان و اعضای هیئت علمی کشاورزی، داده‌ها به اشباع نظری رسیدند. ملاک انتخاب دانش‌آموختگان، گرایش به شرکت در مصاحبه، داشتن اطلاعات کافی و لازم نسبت به موضوع اشتغال دانش‌آموختگان، دست‌کم دو سال بی‌کار بودن پس از دانش‌آموختگی و جویای کار بودن در نظر گرفته شده است. تحلیل داده‌ها در فرایندهای نمادگذاری باز، محوری و گزینشی برای شناسایی مقوله‌ها و بر پایه‌ی الگوی اشتراوس و کوربن (۱۹۹۸)، با برقراری ارتباط میان مقوله‌ها با شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر یا واسطه‌ای، راهبردها و پی‌آمدها انجام شدند. بر پایه‌ی یافته‌های تحقیق مهم‌ترین چالش‌ها و بازدارنده‌های دانش‌آموختگان کشاورزی در زمینه‌ی اشتغال عبارت بودند از: کیفیت پایین و محتواهای نامناسب برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها، ماهر نبودن مدرسان دانشگاه در آماده‌سازی دانشجویان برای ورود به بازار کار، نداشتن آشنایی کافی با کارآفرینی در دوران تحصیل، کمبود خدمات و حمایت‌های مشاوره‌ای به دانش‌آموختگان، نبود زیرساخت‌های کافی، چالش‌های فردی و مهارتی چون نداشتن اعتماد به نفس و روحیه کار و مهارت‌های لازم بین دانشجویان و دانش‌آموختگان، نبود اعتبارات و امکانات مالی کافی، نبود زمینه‌ی ارتباط و هماهنگی بین سازمان‌های مرتبط با کشاورزی، نبود قانون مناسب اداری، چالش‌های فرهنگی اجتماعی و چالش‌های ساختاری اقتصاد کشاورزی کشور.

نمایه واژگان: نظریه پایه و، اشتغال دانش‌آموختگان، آموزش عالی، رشته کشاورزی، بیکاری

نویسنده‌ی مسئول: رضا موحدی

رایانامه: movahedi686@yahoo.com

دریافت: ۹۵/۱۱/۱ پذیرش: ۹۶/۶/۱۳

مقدمه

روند تاریخی توسعه اقتصادی و صنعتی کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که پویایی نظام آموزش و پیوند عمیق بین علم و فناوری با بازار کار، یکی از عامل‌های مهم ترقی، شکوفایی و توسعه اقتصادی و فرهنگی آنها بوده است. در واقع، توسعه هر کشور در گرو استفاده بهینه از همه امکانات به ویژه نیروی انسانی است که یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین سرمایه‌های آن کشور به‌شمار می‌آید و بی‌شک در این میان نقش نیروی انسانی متخصص ص بیش از دیگران است (واقفی نظری و همکاران، ۱۳۹۴). دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی عهده دار رسالت‌هایی چون تولید دانش تربیت نیروی متخصص ص مورد نیاز جامعه، گسترش فناوری، نوآوری و خلاقیت هستند.

صاحب نظران بر این باورند دستیابی به توسعه پایدار تنها در سایه به‌کارگیری دانش روز و فناوری پیشرفته حاصل می‌شود. بنابراین، برای قرار گرفتن در جاده توسعه و جلوگیری از عقب ماندگی باید شرایطی فراهم شود که دانشگاه‌ها بتوانند دانشجویان را برای به‌کارگیری فناوری جدید و پذیرش مسئولیت‌های مختلف در سطح جامعه پرورش دهند. در جهان کنونی در صورتی که دانش‌آموختگان به مهارت‌های اشتغال‌پذیری تجهیز نشوند موفق به یافتن شغل نخواهند شد. بنابراین راهکار اشتغال، شناسایی قابلیت‌های اشتغال‌پذیری به انضمام عامل‌ها، شرایط، زمینه و راهبردهای تقویت آن می‌باشد. این امر مستلزم رویکرد و نگاه ساختارمند (سیستماتیک) است تا در کاهش بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی نقش مؤثری ایفا کند (شرفی و عباس‌پور، ۱۳۹۴).

یکی از دغدغه‌هایی که در کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته از گذشته دور تاکنون مطرح بوده است، نبود هماهنگی و سازگاری لازم برون دادهای نظام آموزشی با نیازهای بازار کار می‌باشد. پیامد این نبود هماهنگی، انحراف شغلی و یا بیکاری دانش‌آموختگان و جوانان آموزش دیده است که باعث می‌شود کارآئی درونی و بیرونی نظام آموزشی مورد تردید قرار گرفته و زیر پرسش و ابهام برود (شریعت زاده و همکاران، ۱۳۸۵). مسأله بیکاری در

کشور ما نیز با شرایط حادی روبه‌رو است؛ به طوری که جمعیت بیکار در نظام آموزش عالی کشور در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۳ با افزایش فزاینده ای رو به رو بوده است به گونه ای که از ۲۱ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۴۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۳، ص ۲۰۴). هر چند بنا بر تعریف مرکز آمار ایران از بیکاری مبنی بر دست‌کم یک ساعت یا ۸ ساعت کار در روز آمار بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی ۱۸/۵ درصد اعلام شده است (خبرگزاری تسنیم، ۱۹ فرودین ۱۳۹۵). در هر صورت وجود شمار زیاد مراکز آموزش عالی در کشور و بدنبال آن شمار زیاد دانشجو و دانش‌آموخته در سال‌های اخیر مسأله مهمی است که در صورت نبود برنامه‌ریزی و بررسی‌های آسیب شناسی، نظام آموزش عالی کشور را با تهدیدهای جدی روبه‌رو کرده و بحران بیکاری دانش‌آموختگان تبدیل به آفت مهمی برای برنامه‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی کشور می‌شود و نیروی انسانی متخصص ص به عنوان یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین سرمایه‌های کشور به هدر خواهد رفت. در این راستا، دانش‌آموختگان بخش کشاورزی از این قاعده مستثنی نبوده و هم‌اکنون از دشواری‌های بسیاری در زمینه اشتغال رنج می‌برند (شیری و همکاران، ۱۳۹۳).

برای کاهش میزان بیکاری جوانان و دانش‌آموختگان، پیش از هر چیز بایستی عامل‌هایی را که سبب بروز چالش‌هایی برای ورود جوانان به بازار کار و پیدا کردن کار مناسب و شایسته سطح تحصیلات و انتظارات آنان شده است شناسایی کرد تا بتوان با شناخت بهتر و کامل‌تر چالش‌ها، در جهت رفع آنها اقدام‌های اثربخش و برنامه‌ریزی شده انجام داد. در این پژوهش تلاش شده تا بازدارنده‌های اشتغال دانش‌آموختگان رشته مهندسی کشاورزی با استفاده از مطالعه کیفی و رویکرد نظریه بنیانی مورد تحلیل قرار گرفته تا از این راه دلایل بیکاری و نبود کارآیی مورد انتظار دانش‌آموختگان کشاورزی در محیط‌های کشاورزی و روستایی شناسایی شوند. در نهایت این تحقیق بدنبال آن است تا با شناسایی دقیق بازدارنده‌ها و دلایل بیکاری دانش‌آموختگان، توصیه‌های کاربردی و عملی مناسبی را در اختیار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور قرار دهد.

بررسی پیشینه‌ی موضوع

بررسی سوابق پژوهش‌ها درباره اشتغال دانش‌آموختگان

فرصت‌های شغلی کافی و نابرابری فرصت‌های شغلی برای مردان و زنان، ضعف برنامه‌های حمایت از خوداشتغالی، سازمان نیافته بودن بازار کار کشور و کم رنگ بودن نقش موسسه‌های کاریابی در محل تحصیل و در بازار از جمله مهم‌ترین عامل‌های تاثیرگذار بر ناموفق بودن جوانان برای ورود به بازار کار به‌شمار می‌آیند که در پژوهش‌های هرندی و فلاح محسن خانی (۱۳۸۶) مشخص شده‌اند.

در پژوهش برآبادی و همکاران (۱۳۸۸) نارسایی در آموزش‌های کاربردی و به‌دست‌نیاوردن تجربه عملی کافی توسط دانش‌آموختگان در طول تحصیل، نداشتن اعتماد به نفس، گرایش به اشتغال در شهرها، داشتن انتظارهای غیر اصولی مانند درآمدهای بالا از مهم‌ترین بازدارنده‌های دانش‌آموختگان کشاورزی در اشتغال آنان بوده است.

نتایج بررسی‌های ندافی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد، بین اشتغال زایی در بخش کشاورزی و آموزش روش‌های خلاقیت، شناخت و ارزیابی فرصت‌ها، مراحل تاسیس و راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک، آموزش تشییت و اداره کسب و کار رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. موحدی و همکاران (۱۳۹۲) بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی را نتیجه وجود هفت آسیب دانسته‌اند: آسیب‌های مرتبط با دولت، آسیب‌های مرتبط با بازار کار، آسیب‌های مرتبط با نظام آموزش کشاورزی، آسیب‌های مرتبط با استادان کشاورزی، آسیب‌های مرتبط با نحوه آموزش و یادگیری، آسیب‌های مرتبط با دانشجویان کشاورزی و آسیب‌های مرتبط با نبود زمینه اطلاع‌رسانی و مشاوره دانش‌آموختگان کشاورزی.

تحقیق زلالی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که داشتن دید منفی نسبت به کار در بخش خصوصی، نبود نظام‌گزینش درست، نگرش منفی جامعه نسبت به کشاورزی، جذب پایین دانش‌آموختگان کشاورزی در سازمان‌های دولتی، افزایش ورود دانش‌آموختگان روستایی به مناطق شهری، اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی در مشاغل نا مرتبط با رشته، و گرایش نداشتن به کار در بخش کشاورزی از مهم‌ترین تنگناها و چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی هستند. دستاوردهای پژوهش آقاپور و همکاران (۱۳۹۳) گویای آن است که دانشگاه‌ها در سرفصل‌های تحصیلی دانشجویان برنامه‌ای برای آینده شغلی آنان در نظر نگرفته‌اند و هیچ سازوکار روشنی که آنان پس از دانش‌آموختگی بتوانند از دانش

نشان می‌دهد که مسأله اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی در ایران به عنوان یکی از عمده‌ترین چالش‌های پیش روی نظام آموزش عالی کشور مطرح است. بر پایه بررسی اسناد و پیمایش‌های موجود از میان مجموعه بازدارنده‌ها و محدودیت‌های بروز بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی، پنج عامل کلیدی را می‌توان استخراج کرد: ضعف یا نبود راهبردهای ارتباطی بین نظام آموزش عالی کشاورزی و بازار کار، نداشتن تناسب برنامه‌های درسی رشته‌های کشاورزی (از نظر محتوا، ساختار، و روش اجرا) با نیازهای بازار کار، نبود توازن بین فرصت‌های شغلی موجود و شمار زیاد دانش‌آموختگان، کمبود پشتیبانی‌ها و حمایت‌های دولتی از مشاغل کشاورزی و نبود روحیه کارآفرینی در دانش‌آموختگان بخش کشاورزی.

به طوری که استواری (۱۳۸۲) چالش‌های ساختاری در فرایند آموزش، جاذبه‌های بخش‌های غیرکشاورزی، چالش‌های بخش دولتی، نبود اطلاع‌رسانی درست و نداشتن يك نظام فناوری اطلاعات؛ زمانی و لاری (۱۳۸۳) زیادی شمار دانش‌آموختگان کشاورزی، نداشتن سرمایه کافی، نبود حمایت دولت، وجود افراد پیر در اداره‌ها، ناهماهنگی بین اداره‌ها، تبعیض جنسیتی در استخدام یاگزینش، نداشتن اعتماد به نفس، نبود زمینه شناخت رشته‌های تحصیلی؛ زمانی و عزیزی (۱۳۸۵) نداشتن توانایی کارهای عملی، ضعف کیفیت آموزش، ناهماهنگی سرفصل درس‌های دانشگاهی با نیازهای هر منطقه؛ شهبازی و علی بیگی (۱۳۸۵) نبود مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی دانش‌آموختگان؛ شجاعی (۱۳۸۸) نبود توازن بین نیازهای بازار کار و خروجی‌های دانشگاهی؛ و موحدی و همکاران (۱۳۸۹) تاکید بر درس‌ها و محتوای نظری در برنامه درسی دانشگاه‌ها، وجود درس‌های غیر کاربردی، نبود زمینه مناسب ارتباط دانشگاه با مراکز کاری و کارفرمایان بخش کشاورزی؛ حسینی و همکاران (۱۳۸۹) نبود یا کمبود پشتیبانی‌ها و حمایت‌های دولتی از مشاغل کشاورزی؛ و علیپور و دهقانی (۱۳۹۱) نبود موقعیت‌ها و الزام‌های خوداشتغالی و کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی کشور را مهم‌ترین بازدارنده‌های جذب متخصصان و دانش‌آموختگان کشاورزی در بخش کشاورزی بر شمرده‌اند. ضعف تعامل بین موسسه‌های آموزشی و بازار کار، نبود

افزایش میزان بیکاری آنان، هدایت دانش‌آموختگان کشاورزی به سمت خود اشتغالی از طریق فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کارهای غیردولتی در بخش‌های مختلف کشاورزی می‌تواند در کاهش بیکاری موثر باشد. مک‌آردل و همکارانش (۲۰۰۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بین برخی عوامل‌ها و متغیرها با احراز شغل در بازار کار توسط دانش‌آموختگان دانشگاهی رابطه مثبتی وجود دارد. از جمله این عوامل‌ها می‌توان خود انکایی و اعتماد به نفس، میزان آگاهی نسبت به شغل، میزان حمایت اجتماعی، حمایت از شبکه سازی اجتماعی، میزان تلاش در کاریابی، و داشتن سرمایه را نام برد. از نظر جکسون (۲۰۱۵)، برای اشتغال دانش‌آموختگان وجود مهارت‌های فردی مانند پشتکار، ارتباطات موثر، خود آگاهی، تفکر انتقادی، خود مدیریتی، آشنایی با فناوری‌های روز، توانایی حل مسأله، و مسئولیت پذیری اجتماعی لازم است.

بنا بر بررسی بدناریکوا و همکارانش (۲۰۱۶)، چالش‌های اصلی مهاجرت جوانان تحصیل کرده روستایی در روسیه که در رشته‌های کشاورزی درس خوانده‌اند نبود زمینه تشویق و حمایت‌های لازم از سوی والدین برای کارهای کشاورزی، نداشتن زمین کافی برای کار کشاورزی، باور به ساده تر بودن راه اندازی کسب و کار در شهرها می‌باشد. بنابراین آنان سه راهکار برای ماندگاری جوانان تحصیل کرده رشته‌های کشاورزی در روستاها پیشنهاد می‌کنند، برقراری ارتباط بین مراکز آموزش کشاورزی با مراکز کسب و کار کشاورزی، دسترسی به اعتبارات کافی برای راه اندازی کسب و کارهای کشاورزی و خرید زمین کشاورزی، و بهبود شرایط زندگی در روستاها.

کومار و کومار (۲۰۱۴)، در نظام آموزش عالی کشاورزی کشور هند به طور جدی بر چالش نبود زمینه تغییر برنامه‌های درسی رشته‌های کشاورزی، مبتنی نبودن آنها بر نیازهای بازار کار و چالش تاکید بر کشاورزی سنتی در روستاهای این کشور تاکید کرده‌اند. آنان بر این باورند دانشگاه‌های کشاورزی باید به سمت هدف‌های توسعه روستایی، به جای توجه به هدف‌های کوتاه مدت، به هدف‌های پایدار، بهبود شیوه‌های تدریس به سمت کسب مهارت‌های تصمیم گیری، روش‌های آموزش مشارکتی، انجام بررسی‌های موردی، رهیافت‌های حل مسأله، رهیافت‌های کار گروهی و بین رشته‌ای حرکت کنند. از سوی دیگر کلارک و بوتون (۲۰۱۱) که بر این باورند نظام‌های آموزش کشاورزی بازار محور نبوده و متناسب با نیازهای کشاورزی

فنی خود استفاده کنند، در اختیارشان قرار نداده‌اند. بر مبنای این پژوهش در شکل‌گیری قابلیت اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی سه عامل کسب مهارت توسعه کسب و کار، مهارت توسعه فردی و مهارت‌های علمی و فنی نقش دارند که در بین آنها کسب مهارت‌های کسب و کار اهمیت بیشتری دارد. بنا بر یافته‌های پژوهش حیدری و خاشعی (۱۳۹۵) دانش‌آموختگان دانشگاهی برای سازگاری شغلی به سه متغیر هویت شغلی، استقلال عمل و بازخورد نیازمند هستند. محمدی و روحانی (۱۳۹۴) در نتایج تحقیق خود متغیرهای جنسیت، میزان علاقه‌مندی در انتخاب رشته تحصیلی، میزان رضایت از رشته تحصیلی، ارزیابی از نقش سرمایه روی اشتغال و میزان مهارت‌های حرفه‌ای و آموزشی در زمان تحصیل را به عنوان متغیرهای مهم و اثر گذار بر نوع اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی دانسته‌اند.

سوان سون و همکارانش (۲۰۰۷) تقویت ارتباط بین دانشگاه‌ها و شرکت‌های خصوصی و کشتزارهای تجاری را در آمادگی دانشجویان برای ورود به کسب و کارهای کشاورزی موثر می‌دانند. آنان همچنین بیان می‌کنند نظام آموزش عالی کشاورزی، برای ارتباط با بخش‌های خصوصی نیازمند انجام تغییرها و اصلاح‌هایی در سه زمینه ساختاری، سازمانی و مدیریتی می‌باشد. از نظر کاتاجاوری و همکارانش (۲۰۰۶) دوره‌های آموزش عملی نقش موثری در بهبود وضعیت شغلی دانش‌آموختگان دارند. این دوره‌ها نه تنها میزان یادگیری دانشجویان را افزایش می‌دهند، بلکه باعث تقویت ارتباط بین دانشگاه‌ها و مراکز کاری می‌شوند. لین (۲۰۰۶) بیان می‌کند در نظام آموزش عالی کشاورزی می‌بایست تاکید خاصی بر برنامه‌های کارآموزی، مهارت‌های عملی، و مهارت‌های تخصصی وجود داشته باشد تا دانشجویان توان رقابت برای کسب مشاغل مختلف در بازار کار رقابتی را داشته باشند. به باور والز و بادن (۲۰۰۰) ماهیت بین رشته‌ای کشاورزی و زمینه خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن می‌طلبد که دانش‌آموختگان کشاورزی، دارای قابلیت‌های پویایی باشند تا بتوانند نسبت به مسایل مختلف انتقاد، اندیشه و عمل کنند. لذا دانش‌آموختگان کشاورزی باید دارای مهارت‌های آسان‌گری شامل مدیریت پروژه، ارتباطات و مذاکره باشند.

حجازی و همکاران (۲۰۰۸) در نتایج بررسی خود اعلام کردند که با توجه به رشد بیش از حد دانش‌آموختگان کشاورزی و

آن با مقایسه نمادها، چند نماد که اشاره به یک جنبه مشترک از پدیده بازدارنده های اشتغال داشتند به عنوان یک مفهوم مطرح شدند. سپس چند مفهوم به عنوان یک مقوله و چند مقوله در شکل یک نظریه تجلی شد. در مرحله پنجم نیز برابر با الگوی اشتراوس و کوربن (۱۹۹۸) به طراحی و تفسیر مدل پرداخته شد.

در این پژوهش برای گردآوری داده ها از مصاحبه عمیق استفاده شد. در مرحله گردآوری داده ها افزون بر مصاحبه های عمیق، از اسناد کتابخانه ای نیز به عنوان روش مکمل استفاده شد. در این مرحله، در آغاز اطلاعات مقدماتی با بررسی ادبیات موضوع در زمینه های بازدارنده های اشتغال در بخش کشاورزی گرد آوری شد و آن گاه با انجام مصاحبه های عمیق نسبت به پیاده کردن موارد صوتی، نگارش و تنظیم یادداشت ها اقدام شد.

روش نمونه گیری تحقیق از نوع هدفمند نظری بود که به شکل گلوله برفی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل سه گروه بودند: گروه اول، دانش آموختگان رشته ی مهندسی کشاورزی که دو سال از تاریخ دانش آموختگی آنان گذشته باشد و همچنان جویای کار باشند. گروه دوم، کارفرمایان بخش کشاورزی و گروه آخر اعضای هیئت علمی دانشکده کشاورزی بودند. تعداد نمونه های این بررسی، شامل ۲۱ تن از دانش آموختگان کشاورزی، ۵ نفر از کارفرمایان و برنامه ریزان بخش کشاورزی و ۴ تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه بودند. مصاحبه ها با هر یک از افراد صاحب نظر تا نقطه اشباع نظری و رسیدن به هدف اصلی تحقیق یعنی دسترسی به تصویری روشن از بازدارنده ها و چالش های اشتغال دانش آموختگان رشته کشاورزی ادامه یافت.

اعتبارپذیری پژوهش از راه بررسی از دیدگاه های مختلف صورت پذیرفت به نحوی که بررسی در زمان ها و مکان های مختلف و با افراد صاحب نظر از گروه های متفاوت انجام گرفت. توجه به زمان و مکان مختلف به منظور پرهیز از هر گونه سوگیری در گردآوری داده ها بود و در نظر گرفتن افراد از گروه های مختلف شامل دانش آموختگان کشاورزی، کارفرمایان و برنامه ریزان کشاورزی و استادان دانشگاه نیز به منظور رسیدن به داده های با اعتبار بیشتر صورت پذیرفت. برای افزایش قابلیت اطمینان پژوهش به تهیه مسیرنمای حسابرسی اقدام شد؛ آنچنان که توصیه شده است (حریری،

منطقه ای نیست. به همین خاطر برنامه های درسی کشاورزی باید از سطح مدرسه به سمت نیازها و فناوری های کشاورزی آینده تغییر یابند به گونه ای که انتظارات مختلف کشاورزی و سیاست های توسعه کشاورزی منطقه را برآورده سازند.

اسکیوینگتون و همکارانش (۲۰۱۴) درباره بازدارنده های اشتغال بر این باورند هر چند نداشتن انگیزه کافی به عنوان یک ویژگی فردی عامل مهمی در بیکاری افراد به شمار می آید ولی توجه به کنترل گروهی و سیاست های دولت، شناسایی ظرفیت ها و فرصت های موجود و زمینه اجتماعی افراد عامل های مهمی اند که می توانند بر افزایش انگیزه آنان در اشتغال تاثیر بگذارند. به باور هالستن و همکارانش (۲۰۱۷) بیکاری جوانان یکی از چالش های اجتماعی عمده این دوران در بسیاری از جامعه ها بوده و چالش های عمده اشتغال جوانان، دسترسی ناکافی به اطلاعات درباره مشاغل و فرصت های شغلی و نبود زمینه توسعه سرمایه اجتماعی بین جوانان است. به باور آنان عامل هایی مانند تقویت گروه ها و شبکه های اجتماعی، تقویت برخی ویژگی های روانشناختی و فردی مانند اعتماد به نفس، کسب عملکرد آموزشی بالا، و عضویت در گروه های همسالان بر اشتغال جوانان تاثیر به سزایی دارند.

روش شناسی

این پژوهش به لحاظ دیدمان از نوع کیفی است که در آن از رویکرد نظریه پایه و بهره گرفته شد. گلنزر و اشتراوس (۱۹۶۷) برای نخستین بار رویکرد مفهوم سازی نظریه پایه و را به جامعه علمی معرفی کردند. هدف این رهیافت پر رنگ کردن رویکرد استقرایی در پژوهش است زیرا در پی ایجاد نظریه از درون داده های گردآوری شده است نه از راه بررسی ادبیات پژوهش و آن گاه آزمون نظریه تدوین شده (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۶). در این پژوهش بر پایه ی رویکرد نظریه پایه و پنج مرحله طی شد. نخستین مرحله شامل بررسی ادبیات فنی و انتخاب موارد بود. در مرحله دوم گردآوری داده ها انجام شد که این مرحله در سال ۱۳۹۴ صورت پذیرفت. در مرحله سوم تنظیم داده ها و نگارش گویه ها و مفاهیم انجام گرفت. مرحله چهارم شامل فرایند تجزیه و تحلیل داده ها بود که اصلی ترین بخش تحقیق را تشکیل داد به این صورت که نکات کلیدی داده ها مشخص و برای هر نکته یک نماد مشخص شد و پس از

ای (شرایطی که پدیده در آن قرار دارد)، شرایط میانجی یا مداخله گر (شرایط محیطی که راهبردها و شرایط علی را تحت تاثیر قرار می دهند)، راهبردها (اقدامها، کنشها و واکنشهایی که از پدیده محوری به دست می آید)، و پیامدها (نتایجی که از راهبردها پدیدار می شود) بنا بر نگاره ۱ برقرار شد. در مرحله ی آخر یا کدگذاری گزینشی پدیده اصلی که همان مسأله ی اصلی پژوهش است به عنوان هسته در نظر گرفته شد و سپس ارتباط بین همه ی مقوله های اصلی و فرعی حول محور مقوله هسته مورد بررسی قرار گرفت و گزاره ها یا نظریه ها بر پایه خط سیر داستانی برخاسته از داده ها ترسیم شدند.

یافته ها

برابر با اطلاعات جدول ۱، از ۲۱ تن دانش آموخته کشاورزی مورد مصاحبه، ۱۲ نفر زن و بقیه مرد؛ هشت تن متاهل و ۱۳ تن مجرد بودند. میانگین سنی دانش آموختگان ۲۶/۹ سال و کم ترین سن ۲۴ و بیشترین سن ۳۲ سال بود. ده نفر از مصاحبه شوندگان دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۱ نفر دارای مدرک کارشناسی بودند.

۱۳۸۵). برای تقویت تایید پذیری پژوهش تلاش شد تا حد امکان از تبادل نظر با همتایان (پژوهشگرانی که تجربه انجام پژوهش کیفی داشتند) در فرایند تحلیل داده ها استفاده شده و از دخالت دادن قضاوتها و ارزشهای شخصی در تحلیل محتوای متون مصاحبه پرهیز شود.

نحوه تحلیل داده ها در نظریه پایه و بر پایه سه روش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی صورت می گیرد. در مرحله کدگذاری باز داده های به دست آمده از مصاحبه های عمیق به صورت جزء به جزء و خط به خط برای استخراج و شکل بندی مفاهیم اولیه مورد بررسی قرار گرفت به طوری که در انتهای این مرحله مجموعه ای از مفاهیم، کلمه ها یا جمله ها به عنوان کدهای باز نامگذاری شدند. در مرحله دوم یعنی کدگذاری محوری، مفاهیمی که در قالب کدهای باز از نظر معنایی و مفهومی همسانی و نزدیکی بیشتری داشتند در قالب مقوله های فرعی طبقه بندی شدند و سپس مقوله های فرعی تبدیل به مقوله های اصلی شدند.

در این مرحله ارتباط بین کدهای باز و مقوله های اصلی و فرعی با توجه به پنج ویژگی شرایط علی (عاملهایی که مقوله اصلی را تحت تاثیر قرار می دهند)، شرایط زمینه

جدول ۱- مشخصات فردی دانش آموختگان

گروه مورد مصاحبه	مدرک دانشگاهی	رشته دانشگاهی	سن	جنس	وضعیت تاهل
دانش آموختگان	کارشناسی	خاکشناسی	۲۶	مرد	مجرد
	کارشناسی	ترویج	۲۵	مرد	مجرد
	کارشناسی	ماشین های کشاورزی	۲۶	مرد	مجرد
	کارشناسی	باغبانی	۲۴	زن	مجرد
	کارشناسی	باغبانی	۲۷	زن	متاهل
	کارشناسی	آبیاری	۲۵	مرد	مجرد
	کارشناسی	آبیاری	۲۵	مرد	مجرد
	کارشناسی	گیاه پزشکی	۲۵	زن	مجرد
	کارشناسی	علوم دامی	۲۶	مرد	مجرد
	کارشناسی	علوم دامی	۲۶	زن	مجرد
	کارشناسی	زراعت	۲۷	زن	مجرد
	کارشناسی ارشد	ماشین های کشاورزی	۳۰	مرد	متاهل
	کارشناسی ارشد	ترویج	۲۶	زن	مجرد
	کارشناسی ارشد	گیاه پزشکی	۳۲	زن	متاهل
	کارشناسی ارشد	گیاه پزشکی	۲۷	زن	متاهل
	کارشناسی ارشد	باغبانی	۲۷	زن	متاهل
	کارشناسی ارشد	علوم دامی	۳۱	مرد	متاهل
	کارشناسی ارشد	علوم دامی	۲۷	مرد	مجرد
	کارشناسی ارشد	زراعت	۲۸	زن	متاهل
	کارشناسی ارشد	زراعت	۲۸	زن	مجرد
	کارشناسی ارشد	زراعت	۲۹	زن	متاهل

مشخصات فردی دیگر نمونه های پژوهش شامل استادان و کارفرمایان در جدول شماره ۲ بیان شده است.

جدول ۲- مشخصات فردی استادان و کارفرمایان

گروه مورد مصاحبه	مدرک دانشگاهی	رتبه	سمت	سن	جنس	پیشینه کار	محل کار
استادان	دکتری	استاد تمام	هیات علمی	۵۸	مرد	۲۸	دانشگاه تربیت مدرس
	دکتری	استاد تمام	هیات علمی	۶۰	مرد	۳۰	دانشگاه تهران
کارفرمایان	دکتری	دانشیار	هیات علمی	۶۵	مرد	۳۱	دانشگاه رازی کرمانشاه
	دکتری	دانشیار	هیات علمی	۵۸	مرد	۱۵	دانشگاه بو علی سینا
	دکتری		معاون سازمان جهاد کشاورزی	۴۹	مرد	۱۹	تهران
	دکتری		معاون سازمان جهاد کشاورزی	۵۰	مرد	۲۵	مشهد
	کارشناسی ارشد		ریاست سازمان جهاد کشاورزی	۵۵	مرد	۲۷	همدان
	کارشناسی ارشد		رئیس شرکت خصوصی	۴۵	مرد	۱۵	همدان
کارشناسی		رئیس شرکت خصوصی	۴۲	مرد	۱۲	کرمانشاه	

نتایج کدگذاری باز: پس از پیاده سازی مصاحبه ها با استفاده از روش تحلیل محتوا در آغاز با کدگذاری باز، کدها در قالب کلمه ها و مفاهیم مشخص شدند. در این مرحله یادداشت ها سطر به سطر مرور شده، جمله های اصلی آنها استخراج، و اجزاء اصلی و معنی دار به صورت کدهایی ثبت شدند. در این پژوهش نکته ها و مفاهیم کلیدی به دست آمده از مصاحبه با دانش آموختگان کشاورزی همچنین نکته ها و مفاهیم کلیدی به دست آمده از مصاحبه با کارفرمایان و استادان بخش کشاورزی به صورت جداگانه استخراج و مشخص شدند.

نتایج کدگذاری باز: پس از پیاده سازی مصاحبه ها با استفاده از روش تحلیل محتوا در آغاز با کدگذاری باز، کدها در قالب کلمه ها و مفاهیم مشخص شدند. در این مرحله یادداشت ها سطر به سطر مرور شده، جمله های اصلی آنها استخراج، و اجزاء اصلی و معنی دار به صورت کدهایی ثبت شدند. در این پژوهش نکته ها و مفاهیم کلیدی به دست آمده از مصاحبه با دانش آموختگان کشاورزی همچنین نکته ها و مفاهیم کلیدی به دست آمده از مصاحبه با کارفرمایان و استادان بخش کشاورزی به صورت جداگانه استخراج و مشخص شدند.

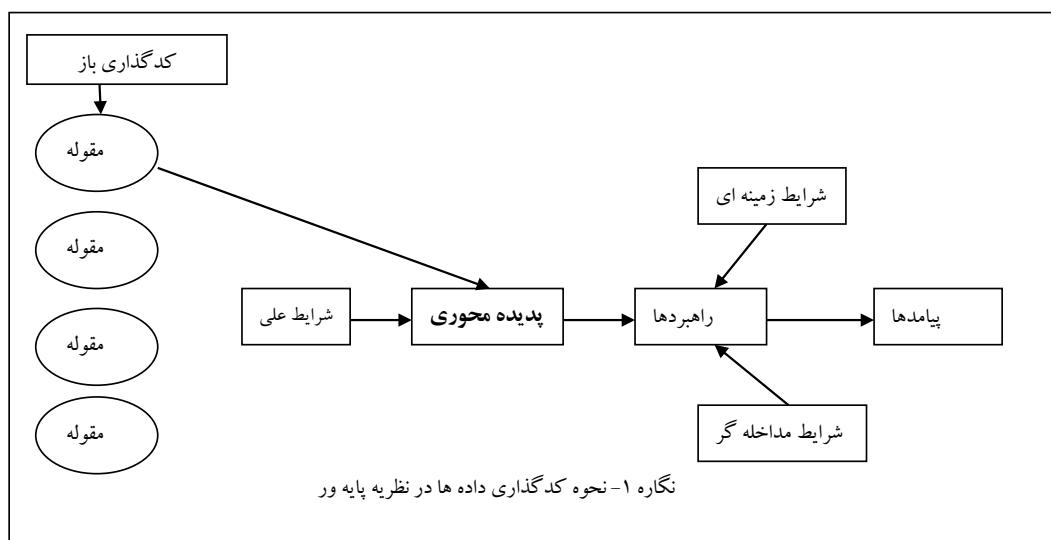
جدول ۳- کدگذاری محوری و استخراج مقوله های مربوط به بازدارنده های اشتغال دانش آموختگان

مقوله اصلی (محوری)	مقوله فرعی	کدهای باز
بازدارنده های آموزشی	محتوای نامناسب درسی	تناسب نداشتن محتوای دروس با بازار کار- تاکید بیش از حد بر درس های نظری- توجه بیش از حد دانشجویان به مدرک و کسب نمره- نبود توجه کافی به آموزش های کاربردی در دانشگاه
	نداشتن مهارت کافی توسط مدرسان دانشگاه	به روز نبودن دانش استادان و استفاده از مطالب قدیمی- مهارت کافی نداشتن مدرسان در دانشگاه- نبود زمینه استفاده از روش های نوین تدریس- انجام نشدن تحقیقات مشترک بین دانشگاه و بخش های اجرایی- کمی گرا شدن دانشگاه ها و توجه به هدف های کوتاه مدت و شخصی استادان
بازدارنده های پشتیبانی و مشاوره ای	نا آشنایی با کار آفرینی	نبود زمینه آموزش کار آفرینی- نا آشنایی با محیط کار
	نبود زمینه خدمات و حمایت های دولتی	نبود زمینه خدمات مشاوره ای- حمایت ناکافی دولت از دانش آموختگان کشاورزی- نبود تعاونی ها و تشکلهای موثر
بازدارنده های زیرساختی	نبود زیرساخت های کافی	امکانات کم و ضعیف زندگی در محیط روستایی- نبود زمینه استفاده از ظرفیت های بخش خصوصی- زیاد بودن هزینه های کسب و کارهای کشاورزی مانند احداث گلخانه یا مرغداری- توسعه کمی دانشکده های کشاورزی بدون توجه به کیفیت آنها
بازدارنده های فردی و مهارتی	چالش های فردی مانند اعتماد به نفس و روحیه کار	انگیزه کافی برای ورود به بخش کشاورزی وجود ندارد- نداشتن علاقه به رشته کشاورزی و انتخاب این رشته به خاطر ورود به دانشگاه- اعتماد نکردن به توانایی های خود- بلند پروازی- پایین بودن روحیه کار تعاونی و گروهی در بین دانش آموختگان

جدول ۳- کدگذاری محوری و استخراج مقوله های مربوط به بازدارنده های اشتغال دانش آموختگان

مقوله اصلی (محوری)	مقوله فرعی	کدهای باز
	چالش های مهارتی	در دسترس نبودن اطلاعات در مورد کسب و کارهای کشاورزی- استفاده نکردن دانشجویان از فرصت های موجود آمده در دوران تحصیل- نداشتن مهارت های عمومی دانش آموختگان- مهارت پایین دانش آموختگان- نا آشنایی با قوانین موجود در زمینه اشتغال
	چالش های مالی و اعتباری	نیاز مالی بالای فعالیت های کشاورزی- نداشتن وثیقه و ضامن برای دریافت اعتبارات- کمبود نقدینگی- خطر پذیری بالای فعالیت های کشاورزی
	چالش های اداری و مدیریتی	نبود زمین ارتباط و هماهنگی بین سازمان ها
	نبود قوانین مناسب اداری	رابطه مداری در قوانین- روند دریافت مجوز قانونی دست و پا گیر است- نبود برنامه ریزی منسجم در زمینه اشتغال دانش آموختگان که ضمانت اجرایی داشته باشد.
بازدارنده های اجتماعی	چالش های فرهنگی	علاقه زیاد به کار دولتی و اداری به جای کار آفرینی و خود اشتغالی- نداشتن اعتماد کشاورزان به دانش کارشناسان و دانش آموختگان کشاورزی- کارهای کشاورزی در جامعه شان و منزلت قابل قبولی ندارد.
	چالش های اجتماعی	جذاب بودن اشتغال در بخش غیر مولد شهری- آشنا نبودن جامعه با توانایی های دانش آموختگان- داشتن توقع های بی مورد از دانش آموختگان در سطح جامعه
بازدارنده های ساختاری بخش کشاورزی	چالش های مربوط به ساختار اقتصاد کلان	دولتی بودن ساختار اقتصادی کشور- بخش کشاورزی سنتی است- خطر بازگشت سرمایه در بخش کشاورزی نسبت به دیگر بخش ها بالاتر است- وجود واسطه ها- نبود زمینه تحقیقات منطقه ای و محلی

پس از شناسایی مقوله ها در مرحله کدگذاری محوری، بر پایه مبانی نظریه پایه و بر به برقراری ارتباط بین مقوله ها با پدیده محوری یا هسته (بازدارنده های اشتغال دانش آموختگان) پرداخته شد. برای این کار لازم است رابطه میان مقوله ها با شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر یا واسطه ای، راهبردها و پیامدهای حاصل به گونه ای که اشتراوس و کوربن (۱۹۹۸) مشخص کرده اند، ترسیم شود (شکل ۱).



برابر با الگوی نگاره ۱ شرایط علی شامل عامل هایی است که مقوله اصلی را تحت تاثیر قرار می دهند که در این تحقیق

شامل چهار عامل بود: نبود حمایت‌ها و خدمات دولتی، نبود زمینه ارتباط دانشکده‌های کشاورزی با سازمان‌های برای دانش‌آموختگان، ضعف قوانین درباره توسعه اشتغال و بهبود فضای کسب و کار کشاورزی برای دانش‌آموختگان،

جدول ۴- شرایط علی موثر در ایجاد بازدارنده‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی

شرایط علی	مقوله	کد
نبود زمینه خدمات و حمایت‌های دولتی	ضعف قوانین درباره توسعه اشتغال و بهبود فضای کسب و کار	نبود زمینه خدمات مشاوره‌ای - حمایت ناکافی دولت از دانش‌آموختگان کشاورزی - رابطه مداری در قوانین - روند دریافت مجوز قانونی دست و پاگیر است. نداشتن وثیقه و ضامن برای دریافت اعتبارات - ناآشنایی با محیط کار
نبود زمینه ارتباط دانشکده‌های کشاورزی با سازمان‌های بیرونی	ضعف زمینه ارتباط دانشکده‌های کشاورزی با سازمان‌های بیرونی	نبود زمینه ارتباطات قوی بین دانشگاه و سازمان‌های دولتی مرتبط با کشاورزی - انجام نشدن تحقیقات مشترک بین دانشگاه و بخش‌های اجرایی - نبود زمینه استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی در جذب دانش‌آموختگان کشاورزی
ضعف دانشگاه‌ها	ضعف دانشگاه‌ها - توجه نکردن کافی به کیفیت آموزش	برنامه ریزی نامناسب - محتوای درسی نامتناسب با بازار - شمار زیاد مراکز آموزش کشاورزی - کمی‌گرا شدن دانشگاه‌ها - توجه نکردن کافی به کیفیت آموزش

شرایط زمینه‌ای شامل مجموعه شرایط مکانی یا زمانی است که پدیده در آن قرار دارد و بر پدیده محوری تاثیر می‌گذارد. این شرایط در این پژوهش شامل نبود ارتباطات و تعامل کافی بخش کشاورزی با دیگر بخش‌ها در شرایط کنونی، نبود بستر کار آفرینی و مهارت‌های عملی در شرایط کنونی، و ضعف برنامه‌ها و محتواهای درسی دانشگاه‌های کنونی می‌باشد (جدول ۵).

جدول ۵- شرایط زمینه‌ای موثر در ایجاد بازدارنده‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی

شرایط علی	مقوله	کد
نبود زمینه ارتباطات و تعامل کافی بخش کشاورزی با سایر بخش‌ها	نبود زمینه ارتباطات و تعامل کافی بخش کشاورزی با سایر بخش‌ها	نبود زمینه ارتباط کافی با بخش خصوصی - نبود زمینه خدمات مشاوره‌ای - نا هماهنگی بین نظام آموزش و اجرایی
نبود بستر کار آفرینی و مهارت‌های عملی	نبود بستر کار آفرینی و مهارت‌های عملی	نا آشنایی با محیط کار - نبود آموزش کار آفرینی - نبود سازو کار مناسب برای مهارت افزایشی دانش‌آموختگان - نداشتن مهارت‌های عمومی دانش‌آموختگان
ضعف برنامه‌ها و محتواهای درسی دانشگاه‌ها	ضعف برنامه‌ها و محتواهای درسی دانشگاه‌ها	تناسب نداشتن محتوای درس‌ها با بازار کار - تاکید بیش از حد بر درس‌های نظری - توجه بیش از حد دانشجویان به درس‌های نظری و کسب نمره - به‌ارایه آموزش‌های کاربردی در دانشگاه توجه نمی‌شود

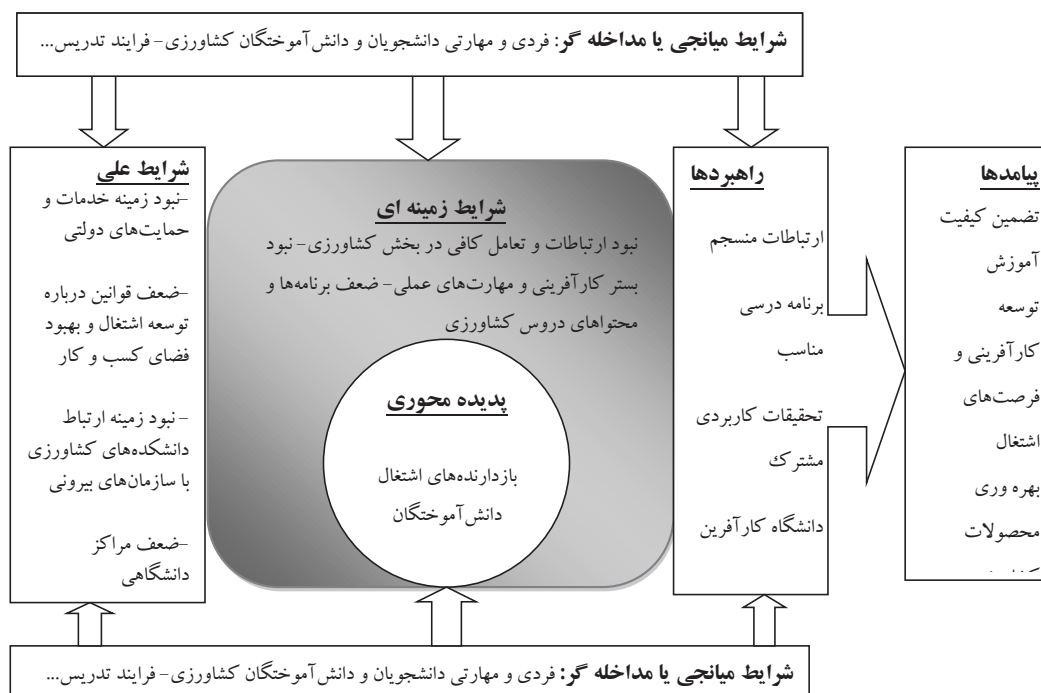
شرایط میانجی یا مداخله‌گر شامل شرایط محیطی است که راهبردها و شرایط علی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. در این پژوهش شرایط میانجی عبارت بودند از: شرایط فردی و مهارتی دانشجویان و دانش‌آموختگان کشاورزی، فرایند تدریس -

جدول ۶- شرایط میانجی یا مداخله‌گر موثر در ایجاد بازدارنده‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی

شرایط میانجی	مقوله	کد
فردی و مهارتی دانشجویان و دانش‌آموختگان	فردی و مهارتی دانشجویان و دانش‌آموختگان	انگیزه کافی برای ورود به بخش کشاورزی وجود ندارد - نداشتن اعتماد به توانایی‌های خود - بلند پروازی - روحیه کار تعاونی و گروهی در بین دانش‌آموختگان پایین است - در دسترس نبودن اطلاعات در مورد کسب و کارهای کشاورزی - استفاده نکردن دانشجویان از فرصت‌های به‌وجود آمده در دوران تحصیل - نداشتن مهارت‌های عمومی دانش‌آموختگان - مهارت پایین دانش‌آموختگان
فرایند تدریس - یادگیری	فرایند تدریس - یادگیری	استفاده از روش‌های نوین تدریس - تاکید بر مهارت افزایشی به‌جای دانش افزایشی - آموزش کار آفرینی
مهارت‌های فردی استادان	مهارت‌های فردی استادان	انجام تحقیقات کاربردی - تاکید بر مطالب عملی و کاربردی -
ارتباط دانشگاه و بخش‌های دولتی و غیر دولتی	ارتباط دانشگاه و بخش‌های دولتی و غیر دولتی	هماهنگی لازم بین سازمان‌ها و اداره‌های ذیربط - استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی - استفاده از ظرفیت‌های بخش تعاون

علی مربوط به پدیده هسته حاصل شده اند. در نهایت منظور از پیامدها، نتایجی است که در اثر راهبردها پدیدار می شود. تضمین کیفیت آموزش، توسعه کارآفرینی و فرصت های اشتغال، بهره وری در محصولات کشاورزی به عنوان پیامدهای حاصل از توجه به راهبردهای برطرف کردن بازدارنده های اشتغال دانش آموختگان کشاورزی شناسایی شدند (نگاره ۲).

همچنین منظور از راهبردها برابر با الگوی نگاره ۱، اقدامها، کنش ها و واکنش هایی است که از پدیده محوری به دست می آیند. در این پژوهش برقراری ارتباطات منسجم دانشگاه ها با دیگر بخش های اجرایی، وجود برنامه های درسی متناسب با بازار کار، انجام تحقیقات کاربردی مشترک و کاربردی، و تاکید بر دانشگاه کارآفرین به عنوان راهبردهایی هستند که از شرایط



نگاره ۲: مدل مفهومی بازدارنده های اشتغال دانش آموختگان کشاورزی بر پایه نظریه پایه ور

نتایج کدگذاری گزینشی بر پایه خط سیر داستانی (تکوین نظریه یا گزاره) نتایج به دست آمده از انجام مصاحبه های مختلف نشان داد که یکی از مهم ترین بازدارنده های اشتغال دانش آموختگان کشاورزی وجود بازدارنده های آموزشی است. این چالش خود ناشی از سه عامل می باشد: یکی مربوط به نبود تناسب برنامه ها و محتواهای درسی هماهنگ با نیاز روز و نیاز بازار کار، دیگری مربوط به ضعف استادان دانشگاه در انتقال مهارت های لازم به دانشجویان و در آخر چالش ضعف آموزش های کارآفرینی و ناآشنایی دانشجویان و دانش آموختگان با مهارت های مربوط به کارآفرینی و فضای کسب و کار گزاره دیگری است که در این تحقیق مشخص شده است. تاکید بر آموزش کارآفرینی نیز توسط محققان مختلفی از جمله

تناسب محتوای درس های کشاورزی با بازار کار، به عنوان چالش و مانع عمده دانش آموختگان در بروز بیکاری است. که در این تحقیق به عنوان یک گزاره مطرح شده است. این مورد مسأله مهمی است که بارها توسط سازمان های بین المللی از جمله سازمان خوار بار و کشاورزی (فائو) در گزارش های مختلف بازگو شده است. همچنین در تحقیقات مختلف از جمله زمانی و عزیز (۱۳۸۵)، موحدی و همکاران (۱۳۹۲)، شهبازی و علی بیگی (۱۳۸۸) مورد تایید قرار گرفته است. مسأله ناآشنایی دانشجویان و دانش آموختگان با مهارت های مربوط به کارآفرینی و فضای کسب و کار گزاره دیگری است که در این تحقیق مشخص شده است. تاکید بر آموزش کارآفرینی نیز توسط محققان مختلفی از جمله

(۲۰۱۱) در زمینه چالش ساختارهای مالی و اعتباری با نتایج این بخش سازگار و همسومی باشد.

وجود بازدارنده‌های فردی و مهارتی دانشجویان و دانش‌آموختگان از دیگر بازدارنده‌های مهم اشتغال دانش‌آموختگان می‌باشد. همان طور که در پیشینه تحقیق گزارش شد، مک آردل و همکارانش (۲۰۰۷) بین برخی عوامل‌های روانشناختی با احراز شغل در بازار کار توسط دانش‌آموختگان دانشگاهی به رابطه معنی‌دار رسیدند. به این معنی که هر چقدر دانش‌آموختگان دانشگاهی از ویژگی‌های فردی و روانشناسی مانند اعتماد به نفس، خوداتکایی، میزان آگاهی نسبت به شغل، میزان حمایت اجتماعی، گرایش شخصی به مشارکت در تشکل‌های اجتماعی، میزان تلاش در کارهایی برخوردار باشند به همان میزان در احراز شغل موفق‌تر خواهند بود. نتایج این تحقیق هم‌نشان داد که دانش‌آموختگان کشاورزی در احراز شغل با چندین بازدارنده فردی مانند داشتن انتظارهای بالا، نداشتن اعتماد به توانایی‌های خود، بلند پروازی، پایین بودن روحیه کار تعاونی و گروهی، در دسترس نبودن اطلاعات در مورد کسب و کارهای کشاورزی و استفاده نکردن از فرصت‌های به‌وجود آمده در دوران تحصیل رو به رو هستند.

البته هر چند داشتن اعتماد به نفس بالا و خوداتکایی از ویژگی‌های مهم موثر بر اشتغال به شمار می‌آیند ولی به نظر می‌رسد یکی از دلایل پایین بودن این دو ویژگی نزد دانش‌آموختگان کشاورزی نداشتن مهارت‌های عمومی و پایین بودن سطح آموخته‌های عملی آنان برای ورود به بازار کار باشد. زلالی و همکاران (۱۳۹۴)، آقاپور و همکاران (۱۳۹۳)، محمدی و روحانی (۱۳۹۴)، کاتاجاوری و همکاران (۲۰۰۶)، لین (۲۰۰۶)، والز و بادن (۲۰۰۰)، جکسون (۲۰۱۵)، اسکویونگتون و همکاران (۲۰۱۴) همگی به نوعی در پژوهش‌های خود به چالش‌های فردی و مهارتی دانش‌آموختگان اشاره داشته‌اند.

چالش‌های اداری و مدیریتی از جمله بازدارنده‌هایی هستند که دانش‌آموختگان کشاورزی و کارفرمایان این بخش به آن باور داشتند. از نظر آنان بین سازمان‌های دولتی و اداره‌ها در زمینه خدمات رسانی و ارائه تسهیلات به دانش‌آموختگان هماهنگی کافی وجود ندارد. روند دریافت مجوز برای راه‌اندازی کسب و کارها طولانی و مایوس

حسینی و همکاران (۱۳۸۸)، حجازی (۲۰۰۸) مورد بررسی پیمایشی قرار گرفته است.

از دیگر بازدارنده‌های دانش‌آموختگان کشاورزی بر سر راه اشتغال، نبود زمینه خدمات پشتیبانی و مشاوره‌ای توسط دولت است. به عنوان نمونه برخی مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که دولت در ارائه حمایت‌های مشاوره‌ای به دانش‌آموختگان همچنین برقراری ارتباطات قوی بین سازمان‌های دولتی مرتبط با کشاورزی سازوکارهای منسجم و محکمی ندارد یا دست‌کم در صورت وجود برنامه‌هایی در این زمینه در بعد اجرایی کردن آنها دچار چالش است. یکی از راهکارهای اصلی در این زمینه حمایت از تشکیل و توسعه تشکل‌ها و تعاونی‌های دانشجویی و دانش‌آموختگی است. نتایج پژوهش‌های هرنندی و فلاح محسن‌خانی (۱۳۸۶)، موحدی و همکاران (۱۳۹۲)، هالستن و همکارانش (۲۰۱۷) مبنی بر نبود حمایت‌های مشاوره‌ای به دانش‌آموختگان در زمینه کسب و کارها همچنین یافته‌های حسینی و همکاران (۱۳۸۹)، بدناریکوا و همکارانش (۲۰۱۶) که به کمبود پشتیبانی‌ها و حمایت‌های دولتی تاکید داشته‌اند با نتایج این بخش از تحقیق همسومی باشد.

گزاره دیگر وجود بازدارنده‌های مالی و اعتباری برای دانش‌آموختگان کشاورزی است که از سوی کارفرمایان و دانش‌آموختگان عنوان شده است. یکی از تفاوت‌های اصلی نظام آموزش کشاورزی با دیگر نظام‌های آموزشی وابستگی زیاد آن به امکانات و تجهیزات و کشتزارهای کشاورزی است که در صورت مهیا نبودن این امکانات کیفیت آموزش‌های کشاورزی کاهش پیدا خواهد کرد. واضح است در آن دسته از مراکز آموزش کشاورزی که در عمل امکاناتی مانند زمین برای انجام درس‌های عملی و عملیات کشاورزی ندارند با چالش رو به رو خواهند شد و دانش‌آموختگان این مراکز مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار را یاد نمی‌گیرند. از سوی دیگر راه‌اندازی کسب و کارهای کشاورزی نسبت به دیگر کسب و کارها افزون بر دانش لازم نیازمند امکانات، هزینه‌ها و سرمایه‌های غیر بازگشت بیشتری است برای مثال برای احداث گلخانه یا مرغداری هزینه‌های بالایی نیاز است که خطر بازگشت آنها زیاد تر از دیگر مشاغل است. یافته‌های هرنندی و فلاح محسن‌خانی (۱۳۸۶)، سوان سون و همکاران (۲۰۰۷)، کومار و کومار (۲۰۱۴)، کلارک و بوتون

کننده است. مقام‌ها، مسئولان و مدیران دولتی کمتر به دیدگاه‌های خلاق و نوآورانه دانش‌آموختگان توجه می‌کنند و در بخش‌هایی از پیکره دولت هنوز رابطه مداری وجود دارد. وجود چالش‌های سازمانی و مدیریتی در تحقیقات سوان سون و همکاران (۲۰۰۷)، کومار و کومار (۲۰۱۴)، کلارک و بوتون (۲۰۱۱) نیز بیان شده است که با نتایج این بخش از تحقیق همخوانی دارد.

گزاره دیگر وجود بازدارنده‌های اجتماعی- فرهنگی بر سر راه اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی است. با وجود تلاش‌ها و اقدام‌هایی که رسانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی سازمان‌های مختلف درباره فرهنگسازی به اهمیت و نقش کشاورزی و تولیدکنندگان این بخش انجام داده است ولی هنوز آن طور که باید و شاید کشاورزی در جامعه شان و منزلت قابل قبولی ندارد. با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فراوان کشاورزی در کشورمان خیلی بیشتر باید به کشاورزی اهمیت و ارزش داده شود چرا که بخش مهمی از چالش‌های دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی مربوط به جامعه و میزان پذیرش و اهمیتی است که جامعه برای این بخش و دانش‌آموختگان آن قایل است. انتظاراتها و علاقه زیاد اطرافیان و جامعه نسبت به کسب مشاغل دولتی، جذابیت اشتغال در بخش غیر کشاورزی و مراکز شهری، آشنا نبودن جامعه با توانایی‌های دانش‌آموختگان و داشتن توقع‌های بی مورد از دانش‌آموختگان در سطح جامعه از جمله چالش‌های اجتماعی- فرهنگی بر سر راه اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی هستند. این مسأله در پژوهش‌های برآبادی و همکاران (۱۳۸۸)، زلالی و همکاران (۱۳۹۴)، حیدری و خاشعی (۱۳۹۵)، محمدی و روحانی (۱۳۹۴)، والزو و بادن (۲۰۰۰)، مک آردل و همکاران (۲۰۰۷)، هالستن و همکارانش (۲۰۱۷) نیز بیان شده است که با نتایج این بخش از تحقیق همخوانی دارند.

نگهداری محصولات در سطح منطقه‌ای و محلی از جمله بازدارنده‌هایی هستند که مربوط به ماهیت و ساختار اقتصاد در بخش کشاورزی است. به همین خاطر انگیزه ورود دانش‌آموختگان به کسب و کارهای کشاورزی تحت تاثیر این عامل‌ها قرار می‌گیرد و باعث می‌شود تا شمار کمتری از دانش‌آموختگان جذب این کسب و کارها شوند. استواری (۱۳۸۲)، هرنندی و فلاح محسن خانی (۱۳۸۶)، زلالی و همکاران (۱۳۹۴)، هالستن و همکارانش (۲۰۱۷) نیز در تحقیق خودشان به چالش‌های ساختاری بخش کشاورزی اشاره کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد چالش‌های مربوط به کیفیت برنامه‌ها و محتوای آموزش کشاورزی در دانشگاه‌ها یکی از بازدارنده‌های اصلی اشتغال دانش‌آموختگان است. از این نظر که در دانشگاه‌ها بیش از حد به ارایه درس‌های نظری و کسب نمره توجه می‌شود که این مسأله باعث توجه نکردن کافی به آموزش‌های عملی و کاربردی شده است. برنامه‌های آموزشی در بیشتر دانشگاه‌ها استاد محور بوده و بیشتر با ارایه سخنرانی در کلاس و با به کارگیری راهبردها و روش‌های تدریس غیرفعال که در آن یادگیرنده نقش چندانی در فرایند آموزشی ندارد صورت می‌گیرد. این وضع، مسأله‌ای است اساسی که در تحقیقات استواری (۱۳۸۲)، زمانی و عزیز (۱۳۸۵)، شجاعی (۱۳۸۸)، موحدی و همکاران (۱۳۸۹)، برآبادی و همکاران (۱۳۸۸)، موحدی و همکاران (۱۳۹۲)، کومار و کومار (۲۰۱۴)، کلارک و بوتون (۲۰۱۱)، نیز مطرح شده است.

از راهبردهایی که در بیشتر کشورهای پیشرفته در این زمینه به آن پرداخته می‌شود مقوله بهبود کیفیت تدریس و روش‌های آموزشی است. به طوری که در بیشتر کشورها توجه به عامل کیفیت تدریس در دانشگاه‌ها به عنوان یکی از راهکارهای اشتغال پذیری دانش‌آموختگان کشاورزی در نظر گرفته می‌شود. ولی اگر از جنبه عملیاتی و کاربردی به این مقوله پرداخته شود به یقین برقراری ارتباط بین نظام آموزش دانشگاه با مراکز اجرایی و عملی در بخش کشاورزی، هماهنگی و همسویی آموزش‌ها با نیازهای شغلی، تماس و ارتباط مستمر با مؤسسه‌های کارایی، تاکید بر کارآفرینی و خود اشتغالی، توجه جدی به آموزش‌های حرفه‌ای و مهارت

بازدارنده‌های ساختاری در اقتصاد کشاورزی یکی دیگر از چالش‌های دانش‌آموختگان کشاورزی از نظر کارفرمایان و دانش‌آموختگان است. دولتی بودن ساختار اقتصادی کشور، سنتی بودن بخش کشاورزی، قطعه قطعه بودن زمین‌های کشاورزی، خطر بالای بازگشت سرمایه در بخش کشاورزی نسبت به دیگر بخش‌ها، خطر بالای فعالیت‌های کشاورزی، وجود واسطه‌ها و نبود امکانات بازاریابی و

می‌شود استادان و مسئولان آموزش عالی از راه کلاس‌های درس، رسانه‌ها، همایش‌ها و گردهمایی‌های مختلف در زمینه افزایش روحیه و انگیزه دانشجویان و اطلاع‌رسانی در زمینه کسب و کارهای کشاورزی در بخش‌های غیر دولتی اقدام کنند. همچنین برنامه‌ها و فعالیت‌های عملیاتی در جهت مهارت‌افزایی دانش‌آموختگان دانشگاهی از راه سازمان‌های مربوطه از جمله سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، سازمان جهاد کشاورزی، نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و دانشکده‌های کشاورزی به اجرا درآید.

چالش‌های اجتماعی-فرهنگی بازدارنده مهمی بر سر راه اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی به شمار می‌آید. چرا که هنوز آن‌طور که باید و شاید کارهای کشاورزی در جامعه‌شان و منزلت قابل قبولی ندارد. با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فراوان کشاورزی در کشورمان خیلی بیشتر باید به کشاورزی اهمیت و بها داده شود چرا که بخش مهمی از چالش‌های دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی مربوط به جامعه و میزان پذیرش و اهمیتی است که جامعه برای این بخش و دانش‌آموختگان آن قایل است. یکی از دلایل علاقه زیاد دانش‌آموختگان به کسب مشاغل دولتی مربوط به انتظارات‌های اطرافیان و جامعه می‌باشد. جذابیت اشتغال در بخش غیر کشاورزی و مراکز شهری، آشنا نبودن جامعه با توانایی‌های دانش‌آموختگان و داشتن توقع‌های بی‌مورد از دانش‌آموختگان در سطح جامعه از جمله چالش‌های اجتماعی-فرهنگی بر سر راه اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی هستند.

نتایج نشان داد ماهیت و ساختار اقتصاد در بخش کشاورزی به گونه‌ای است که با چالش‌های عمده‌ای مانند دولتی بودن، سنتی بودن بخش کشاورزی، قطعه قطعه بودن زمین‌های کشاورزی، وجود واسطه‌ها، نبود امکانات و تجهیزات رو به رو است. چنین عامل‌هایی باعث کاهش انگیزه ورود دانش‌آموختگان به کسب و کارهای کشاورزی می‌شود. بنابراین لازم است برنامه ریزان کشور نسبت به بخش کشاورزی و مشکلات آن توجه ویژه‌ای داشته و با اعمال مشوق‌های بیشتر چه مالی و اعتباری یا نهادی و قانونگذاری، چالش‌های موجود در زمینه ورود دانش‌آموختگان کشاورزی را به کسب و کارهای کشاورزی برطرف کنند.

آموزی، باعث بهبود کیفیت آموزش در بر طرف کردن نیازهای بازار کار می‌شوند.

بر پایه نتایج این تحقیق دولت در ارایه حمایت‌های مشاوره‌ای به دانش‌آموختگان همچنین برقراری ارتباطات قوی بین سازمان‌های دولتی مرتبط با کشاورزی سازوکارهای منسجم و محکمی ندارد یا دست‌کم در صورت وجود برنامه‌هایی در این زمینه در بعد اجرایی کردن آنها دچار چالش است. بنابراین از جمله سازوکارهای عملیاتی و کاربردی که می‌توان در جهت رفع این چالش پیشنهاد کرد عبارت‌اند از تاسیس مراکز مشاوره دانشجویان و دانش‌آموختگان در زمینه شغل یابی با همکاری وزارت علوم و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، تشکیل و توسعه تشکلهای و تعاونی‌های دانشجویی و دانش‌آموختگی، برقراری ارتباطات دوطرفه و مستمر، برنامه ریزی شده و قابل اجرا بین سازمان‌های مرتبط با بخش کشاورزی.

نتایج نشان داد بازدارنده‌های مالی و اعتباری در نظام‌های آموزش کشاورزی بیش از دیگر رشته‌ها به آموزش کشاورزی آسیب و زیان وارد می‌کند به گونه‌ای که نبود امکانات و تجهیزات و کشتزارهای کشاورزی دانش‌آموختگان کشاورزی را برای احراز شرایط لازم برای ورود به بازار کار با چالش جدی رو به رو می‌کند. بنابراین به منظور رونق بخشی به کسب و کارهای کشاورزی و افزایش مهارت‌های دانشجویان پیشنهاد می‌شود در برنامه ریزی آموزش‌های کشاورزی در نظام آموزش عالی بودجه بندی و اعتبارات کافی برای تامین امکانات، تجهیزات و کشتزارهای کشاورزی از سوی مسئولان مربوطه در نظر گرفته شود. همچنین به موسسه‌ها و مراکز آموزش عالی که امکانات و شرایط مالی مناسبی برای ارایه آموزش‌های کشاورزی ندارند مجوز پذیرش دانشجو داده نشود.

نتایج این تحقیق نشان داد بازدارنده‌های فردی و مهارتی دانش‌آموختگان از جمله داشتن انتظارات‌های بالا، نداشتن اعتماد به توانایی‌های خود، بلند پروازی، پایین بودن روحیه کار تعاونی و گروهی، در دسترس نبودن اطلاعات در مورد کسب و کارهای کشاورزی و استفاده نکردن از فرصت‌های به‌جود آمده در دوران تحصیل بازدارنده‌هایی هستند که دانش‌آموختگان کشاورزی در احراز شغل مناسب مرتبط با کشاورزی با آنها مواجه هستند. بنابراین پیشنهاد

منبع ها

- استواری، م. (۱۳۸۲). فن آوری اطلاعات و مسأله اشتغال دانش آموختگان کشاورزی در ایران. مجموعه مقالات همایش نقش فن آوری اطلاعات در اشتغال، ۳۰-۲۹ بهمن ۱۳۸۰. تهران: انتشارات علم و صنعت. صص ۳۰۳-۲۹۳.
- اکبری، ر.، موحدی، ر. و کوچکیان، ح. (۱۳۸۸). بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: دانشگاه بو علی سینا همدان). پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، ۲ (۴)، صص ۹۱-۱۰۲.
- آقا پور، ش.، موحّد محمدی، ح. و علم بیگی، ا. (۱۳۹۳). نقش مهارت های کلیدی در شکل گیری قابلیت اشتغال دانشجویان، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۷۱ (۱)، صص ۴۱-۵۶.
- بازرگان، ع. (۱۳۹۱). مقدمه ای بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: نشر دیدار.
- برآبادی، ا.، ملک محمدی، ا. و اسدی، ع. (۱۳۸۸). موانع آموزشی اجتماعی و فرهنگی اشتغال فارغ التحصیلان کشاورزی، ماهنامه اقتصاد، کار و جامعه، شماره ۱۰۹، صص ۹۲-۱۰۰.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵)، اصول و روش های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی- واحد علوم و تحقیقات.
- حسینی، م.، حسینی، ج. ف. و سلیمان پور، م. ر. (۱۳۸۸). عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان دانشکده های کشاورزی استان تهران. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۵، شماره ۲، صص ۱۱۲-۱۰۱.
- حیدری، ح. و خاشعی، و. (۱۳۹۵). تحلیل رابطه بین ویژگی های شغلی و سازگاری شغلی دانش آموختگان. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۷۹ (۱)، صص ۱۲۷-۱۴۳.
- خبرگزاری تسنیم (۱۹ فروردین ۱۳۹۵). فاجعه بیکاری از زبان رئیس مرکز آمار: ۱ میلیون تحصیل کرده دانشگاهی بیکارند. زمان دسترسی: ۳۰ بهمن ۱۳۹۵، موجود در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/01/19/1041963>
- دانایی فرد، ح.، الوانی، م. و آذر، ع. (۱۳۸۶). روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار.
- زالالی، ن. خسروی پور، ب. و زارع، ع. (۱۳۹۴). تنگناها و مشکلات اشتغال دانش آموختگان کشاورزی از دیدگاه مدیران اجرایی، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۳۳: صص ۷۳-۸۳.
- زمانی، غ. و عزیززی، ط. (۱۳۸۵). تحلیل نظرات مدیران اجرایی نسبت به اشتغال دانش آموختگان کشاورزی. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد ۲، شماره ۲، صص ۷۳-۸۶.
- زمانی، غ. و لاری، م. (۱۳۸۳). وضعیت اشتغال از دیدگاه دانش آموختگان کشاورزی جویای کار. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۲، شماره ۲، صص ۲۵-۴۰.
- سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۳، تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.
- شجاعی، م. (۱۳۸۸). نظام آموزش عالی کشور و اشتغال دانش آموختگان. مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت مدرس. صص ۲۰۴-۱۸۱.
- شرفی، م. و عباس پور، ع. (۱۳۹۴). شناسایی قابلیت های اشتغال پذیری دانش آموختگان دانشگاه ها بر پایه نظریه داده بنیاد. نشریه نوآوری و ارزش آفرینی، ۷ (۱)، صص ۳۳-۴۸.
- شریعت زاده، م. چیدری، م. ملک محمدی، ا. و نوروزی، ا. (۱۳۸۵). نظرات کارشناسان آموزش کشاورزی پیرامون اهداف، برنامه ها و فرآیند جذب فراگیران نظام آموزش متوسطه کشاورزی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۲، شماره ۱، صص ۱-۱۳.

شهبازی، الف. و علی بیگی، الف. (۱۳۸۵). صلاحیتهای مورد نیاز دانش‌آموختگان کشاورزی برای ورود به بازار کار. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد ۲، شماره ۱، صص ۲۴-۱۴.

شیری، ن. میرک‌زاده، ع. و زرافشانی، ک. (۱۳۹۳). الگوی مفهومی ترویج کارآفرینی در بین دانشجویان نظام آموزش عالی کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۴، صص ۴۹-۵۸.

علیپور، ح. و دهقانی، ک. (۱۳۹۱). بررسی نگرش دانشجویان رشته کشاورزی نسبت به فعالیت کارآفرینانه در قالب تعاونی‌های کشاورزی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی، ۸(۲)، صص ۱۰۳-۹۳.

فلیک، اووه (۱۳۹۱)، درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

مارشال، ک.، و راسمن، گ. ب. (۱۳۸۱)، روش تحقیق کیفی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

محمدی، ح. و روحانی، ح. (۱۳۹۴). کاربرد مدل پروبیت چندگانه در تحلیل عوامل موثر بر نوع اشتغال دانش‌آموختگان علمی کاربردی کشاورزی، مجله اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۲۹ (۲) صص ۱۲۵-۱۱۶.

موحدی، ر. (۱۳۹۳). آموزش کشاورزی: چالش‌ها و فرصت‌ها همراه با اضافات (چاپ سوم). همدان: انتشارات شوق دانش.

موحدی، ر.، سعدی، ح.، اکبری، س. و عزیزی، م. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی: تحلیل کمی و کیفی، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۴، شماره ۴، صص ۶۹۲-۶۷۹.

موحدی، ر.، اکبری، ر.، یعقوبی‌فرانی، ا. و خداوردیان، م. ج. (۱۳۸۹). بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی (مطالعه موردی دانشگاه بوعلی سینا همدان). مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۳، شماره ۴، صص ۸۵-۹۸.

واقفی نظری، ر. س.، فراهانی، ا.، اسد، م. و خدادادی، م. ر. (۱۳۹۴). انتظارات شغلی دانشجویان تربیت بدنی از شغل و آینده شغلی در دانشگاه‌های آزاد شهر تهران. فصلنامه مدیریت ورزشی، دوره ۷، شماره ۲، صص ۱۷۵-۱۸۹.

هرندی، ف. و فلاح محسن‌خانی، ز. (۱۳۸۵). اشتغال جوانان و مشکلات آن. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵، صص ۱۴۶-۱۳۳.

Bednaříková, Z., Bavorová, M. and Ponkina, E. V. (2016). Migration motivation of agriculturally educated rural youth: The case of Russian Siberia. *Journal of Rural Studies*, 45: 99-111.

Clark, B. & Button, C. (2011). Sustainability transdisciplinary education model: interface of arts, science, and community (STEM). *International Journal of Sustainability in Higher Education*, 12 (1): 41-54.

Hällsten, M., Edling, C., Rydgren, J. (2017). Social capital, friendship networks, and youth unemployment. *Social Science Research*, 61 (1): 234-250.

Hejazi, Y.; Hashemi S. M. ; Malek Mohammadi, I. (2008). Iranian Agricultural Graduates and Agri-Business Ventures. In: *American-Eurasian Journal of Agricultural and Environmental Science*, 4 (3): 311-317.

Jackson, D. (2015). Employability skill development in work-integrated learning: Barriers and best practice. *Studies in Higher Education*, 40(2), 350-367.

Katajaviuori, N.; Lindblom, Y; Lanne, S. and Hirvonen, J. (2006). The significance of practical training in linking theoretical studies with practice. In: *The International Journal of Higher Education and Educational Planning*, 51(3): 439-464.

Kumar, A. and Kumar, V.A. (2014). Pedagogy in Higher Education of Agriculture. *Procedia - So-*

cial and Behavioral Sciences, 152: 89-93.

Lin, J. (2006) Employment and China's Private Universities: Key Concerns. In: International Higher education Newsletter, 42(1): 1-28.

McArdle, S.; Waters, L.; Briscoe, J. P. and Douglas, T. (2007). Employability during Unemployment: Adaptability, Career Identity and Human and Social Capital. Journal of Vocational Behavior, 71(2): 247-264.

Movahedi, R. (2009). Competencies Needed by Agricultural Extension and Education Undergraduates for Employment in the Iranian Labor Market. Berlin: dissertation. de publications.

Skivington, K. Benzeval, M. Bond, L. (2014). Motivated for employment? A qualitative study of benefit recipients. The Lancet, 384 (2): S72-587.

Strauss, A. and Corbin, J. (1998). Basics of qualitative research techniques for developing grounded theory, (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.

Swanson, B.E.; Barrick, R.K.; and Samy M.M. (2007). Transforming Higher Agricultural Education In Egypt: Strategy, Approach And Results, In: Proceedings of the 23th Annual Conference of AIAEE, pp332-342, Polson, Montana.

Wals, A.E.J. and Bawden, R. (2000) Integrating sustainability into agricultural education: dealing with complexity, uncertainty and diverging worldviews. Gent: ICA.

Analysis of Barriers to Agricultural Graduates' Employment

R. Movahedi

Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran

Abstract

The current study is a qualitative research in which grounded theory approach was used. To collect data an interview tool through in-depth interviews was applied. A theoretical purposeful sampling method implemented to select samples during the snowball procedures. Data were ,theoretically, saturated by interviewing with 21 agricultural graduates and 9 employers and agricultural faculty members. To select graduates to interview the most important criteria were their willingness to cooperate, having good experience ,adequate information about the research objectives, two years unemployment status after the graduation, as well as their attempt to find a job. Data analyse's was performed the during open coding, axial coding and selective coding processes, Then to identify the, themes Strauss and Corbin (1998), paradigm used by establishing relationships between themes and casual conditions, contextual conditions, intervention/ intermediate conditions, strategies and consequences. Results showed that the most important barriers and problems faced to the agricultural graduates were; low quality and inappropriate syllabus in universities, lack of university teachers' skills, unawareness to entrepreneurship skills during education, lack of advisory services and supports for the graduates, no enough infrastructures, individual problems like low self-confidence, interest to work, and insufficient skills among the agricultural students and graduates, not enough financial and banking facilities, not strong linkage and coordination between organizations related to agriculture, no appropriate administrative regulations and laws, socio-cultural problems, structural problems in the country's agricultural economy.

Index Terms: Grounded theory, graduates' employment, higher education, agricultural field, unemployment

Corresponding Author: R. Movahedi

Email: movahedi686@yahoo.com

Received: 20/1/2017 ; Accepted: 4/9/2017